

جنود عقل و جنود شیطان

جنگ است. آتش و دود جنود شیطان اند و در جستجوی یاران حق و عقل. هر کجا خوبی ببینند، آن را می‌درند و می‌سوزانند، خانه‌ها و حرم‌های امن را تخریب می‌کنند و با خاک یکسان؛ گویا از ابتدا هیچ انسانی نبوده! «کأن لم یکن شینا مذکور»

«القلب حرم الله» قلب انسان‌ها حرم امن الهی است؛ جای همه کس نیست و دشمنان همیشه در صدد نفوذ است شب و روز، از هر طریق که بتواند، چشم و گوش و زبان و... و تو مامور باز و بست دروازه دلت هستی!

البته سلطان دلت خدایی است مقدر و مهربان که خود فرمود:

«انا جلیس من جالسنی و مطیع من اطاعنی»

تو مثل بنگاه‌داری! دلت را به چه کسی اجاره می‌دهی؟ به عقلت که تو را به خدا برساند یا به... «مدتی گذشت. دیگر همه او را می‌شناختند. معروف شده بود به فرمانده کور! خواهرهایم گفتند ما ندیدیم که هنگام صحبت به ما نگاه کند. خانه دلش را به هر کس اجاره نمی‌داد. آخر سر هم خمپاره‌ای

آمد و چشمانش را با قابش برد.»

من نیستم، صاحب خانه کس دیگری است...

